فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۶۵-۱۴۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۴۰۶

فرصت‌های اسلام سیاسی شیعی در فضای جهانی‌شدن

معین ضابطی[۱]
دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
علی علی‌حسینی[۲]
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)
سید جواد امام جمعه زاده[۳]
دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۵ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۶**

چکیده

در عصر کنونی، اندیشه‌ها، نگرش‌ها و فعالیت‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، مرزهای ملی را پشت سر گذاشته و در سطح جهانی پراکنده می‌شوند، از اندیشه‌های مختلف تأثیر می-پذیرند و متقابلاً بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند. مسائل فوق، همگی تحت تأثیر فرآیندهای جهانی‌شدن می‌باشند. بنابراین جهانی‌شدن در ابعاد سیاسی، فرهنگی و ارتباطی، پیامدها و نتایجی را به دنبال داشته است که می‌تواند فرصت‌هایی را برای جوامع مختلف به وجود آورد. اسلام سیاسی شیعی نیز در فضای جهانی‌شدن، امکان آن را پیداکرده است که از فرصت‌های جهانی‌شدن برای عرضه خود استفاده نماید. برای بررسی این موضوع، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از روشی توصیفی و تحلیلی، ضمن تبیین مفاهیم اسلام سیاسی شیعی و جهانی‌شدن و بررسی شاخص‌ها و ویژگی‌هایی آن‌ها، به این پرسش پرداخته شود که: جهانی‌شدن چه فرصت‌هایی را برای اسلام سیاسی شیعی فراهم می‌آورد؟ فرضیه‌ای که در اینجا مبنای استدلال قرارگرفته عبارت است از جهانی‌شدن در ابعاد سیاسی، فرهنگی و ارتباطی، پیامدها و نتایجی به دنبال دارد که می-تواند فرصت‌هایی را برای جوامع مختلف به وجود آورد؛ اسلام سیاسی شیعی نیز در فضای جهانی‌شدن، امکان آن را پیداکرده از فرصت‌های جهانی‌شدن برای عرضه خود بهره‌مند شود. بر این اساس نتایج پژوهش حاکی از آن است که ایده‌های، سیاسی و جامعه‌شناختی اسلام سیاسی شیعی مجال ارائه یافته و با توجه به ارزش‌های عام اسلامی و توان اسلام سیاسی شیعی برای پاسخ‌گویی به مسائل زندگی در فضای جدید جهانی، فرهنگ شیعی به‌عنوان فرهنگ مقاومت و جهاد در مقابل فرهنگ زور و قدرت‌مداری در سطح جهانی مطرح‌شده است و تلاش دارد در فضای جهانی‌شدن به یک گفتمان تبدیل گردد.

واژه‌های کلیدی: جهانی‌شدن، اسلام‌گرایی، اسلام سیاسی شیعی.

1. moin3617@gmail.com
2. a.alihosseini@ase.ui.ac.ir
3. javademam@yahoo.com

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

مقدمه

در قرن ۲۱، جوامع در شرایطی قرار دارند که بدون توجه به محیط خارج از مرزهای خود و یافتن درک مناسبی از آن، قادر به فهم دقیق موقعیت و شرایط زندگی خود نخواهند بود؛ هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به‌تنهایی و بدون تعامل باکلیت جامعه جهانی به زندگی اجتماعش، معنا و تداوم ببخشد. در این راستا، اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها، نگرش‌ها و فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، مرزهای ملی را پشت سر می‌گذارند و در سطح جهانی پراکنده می‌شوند، از نگرش‌های مختلف تأثیر می‌پذیرند و متقابلاً بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند. مسائل فوق، همگی تحت تأثیر فرآیندهای «جهانی‌شدن» می‌باشند. از این منظر، جهانی‌شدن در ابعاد سیاسی، فرهنگی و ارتباطی، پیامدها و نتایجی را به دنبال دارد که می‌تواند فرصتی برای بروز اندیشه‌های مختلف در جوامع گوناگون باشد. در مقاله حاضر تلاش می‌شود با بهره‌گیری از روشی توصیفی و تحلیلی، ضمن تبیین مفاهیم اسلام سیاسی شیعی و جهانی‌شدن، به این پرسش پرداخته شود که: جهانی‌شدن چه فرصت‌هایی را برای اسلام سیاسی شیعی فراهم می‌آورد؟ فرضیه‌ای که در اینجا مبنای استدلال قرارگرفته عبارت است از جهانی‌شدن در ابعاد سیاسی، فرهنگی و ارتباطی، پیامدها و نتایجی به دنبال دارد که می‌تواند فرصت‌هایی را برای جوامع مختلف به وجود آورد؛ اسلام سیاسی شیعی نیز در فضای جهانی‌شدن، امکان آن را پیداکرده از فرصت‌های جهانی‌شدن برای عرضه خود بهره‌مند شود. برای ورود به بحث و پیش از پرداختن به مسئله فرصت‌های اسلام سیاسی شیعی در فضای جهانی‌شدن، ضروری است به تبیین این مفاهیم پرداخته شود.

۱- چارچوب تحلیلی و تعریف مفاهیم

۱- ۱- اسلام سیاسی شیعی: مبانی و شاخص‌ها

اصطلاح «اسلام سیاسی»[1] به جریاناتی که به‌ضرورت تشکیل حکومت بر اساس شریعت اسلام معتقد می‌باشند، اطلاق می‌شود. هواداران آن معتقدند که چالش‌های جوامع مسلمان به خاطر عدم عمل به احکام اسلام بوده و برای عمل به آن‌ها، تشکیل حکومت ضرورت دارد. آن‌ها اسلام را به‌مثابه یک ایدئولوژی جامع در نظر می‌گیرند که برای همه حوزه‌های زندگی

1. Political Islam

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

احکامی روشن دارد(حسینی‌زاده، ۱۳۸٦: ۱۷- ۱۳). بر این اساس، مبانی عام اسلام سیاسی عبارت‌اند از:

– در اسلام سیاسی، دین فقط یک اعتقاد نیست بلکه ابعادی فراگیر دارد و تمامی عرصه‌های حیات را در برمی‌گیرد(بهروزلک، ۱۳۸۷: ۳۹).

– اسلام سیاسی بر تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست تأکید کرده و مدعی است اسلام از نظریه‌ای جامع درباره سیاست برخوردار است و به دلیل تکیه‌بر وحی از دیگر نظریه‌های سیاسی متکی بر خرد انسانی، برتر است.

– اسلام سیاسی بازگشت به اسلام و تشکیل حکومت اسلامی را تنها راه‌حل بحران‌های جامعه به شمار می‌آورد(حسینی‌زاده، ۱۳۸٦: ۱۷– ۱۸).

– اسلام‌گراها عقب‌ماندگی مسلمانان را زاییده استعمار غرب می‌دانند(روآ، ۱۳۷۸: ۲۳).

علی‌رغم موارد فوق، گروه‌های اسلامی روشی واحد برای عملی کردن اهداف سیاسی و مذهبی خود ندارند؛ چراکه این مسئله اغلب به برداشت‌های متفاوت از مبانی اسلام بازمی‌گردد، همچنین وضعیت اجتماعی و سیاسی حاکم بر جوامع، سهم مؤثری در قرائت‌های متفاوت از اسلام سیاسی دارد؛ ازاین‌جهت اسلام سیاسی شیعی با اسلام سیاسی اهل تسنن، تفاوت‌های آشکاری در عرصه عمل و نظر دارد که آن را می‌توان بدین شرح خلاصه کرد:

۱– ۱– ۱– رابطهٔ دیانت پایهٔ سیاست

دلایل مختلفی برای ضرورت تشکیل حکومت می‌توان بیان کرد که تنها مختص جامعه اسلامی و احکام شرعی نیست، زیرا هر جامعه‌ای اعم از مسلمان و غیرمسلمان برای اداره امور خود، نیازمند تشکیل حکومت هست. اما باید گفت در جامعهٔ اسلامی به‌مقتضای نیازها و شرایط خاصش، تشکیل حکومت اسلامی و سپردن زمام امور به حاکم اسلامی ضروری است(جمال‌زاده و باباخانی، ۱۳۹٦: ۲۰). از این منظر، اسلام سیاسی شیعی همانند اهل سنت، اسلام را دینی جامع برای اداره جامعه می‌داند. ازنظر امام خمینی(ره) به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز اسلام سیاسی شیعی، اسلام در مورد «نحوه هدایت جامعه» به سیاست نظر دارد و هدایت جامعه در مسیر تحقق عدالت، هدف اصلی دین است. بنابراین، دین و سیاستِ صحیح، هم هدف هستند و هم عین یکدیگرند(فوزی، ۱۳۸۸: ۷۱). ازنظر ایشان، بسیاری از

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

قوانین اسلام در اجرا به حکومت نیاز دارند؛ مثل قصاص، حدود، خمس و زکات و احکام دفاعی و قضایی؛ همچنین چون اسلام دینی جامع است، بنابراین محدود به زمان و مکان نمی‌شود و تا ابد باقی است و استمرار اجرای احکام اسلام، وجود حکومتی اسلامی را می‌طلبد(قاضی‌زاده و ضیایی‌فر، ۱۳۷۷: ۱۰۷).

۱- ۱- ۲- اجرای شریعت در چارچوب نظام امامت

ویژگی اصلی دولت شیعی، ابتنای دولت بر نظام امامت است و این چارچوب، عمده‌ترین افتراق با اسلام سیاسی اهل تسنن است. دولت شیعی بر پایه امامت، به‌نظام ولایت‌فقیه در دوران غیبت ختم شده که به اصلی غیرقابل‌انکار در عملکرد حکومت تبدیل‌شده است و بدون این نهاد، حکومت اسلامی مشروعیت ندارد(حشمت زاده، ۱۳۸۷: ۲٤٦). اسلام سیاسی شیعی، پی‌ریزی حکومت و اجرای شریعت را اولویت می‌داند، اما آنچه مهم است، تفسیر خاص از محتوای حکومت است که در چارچوب نظریهٔ امامت تحقق می‌یابد. در حکومت شیعی، اصول سیاسی، اقتصادی، دفاعی و ساختار آن نه برخاسته از اندیشهٔ بشر بلکه ملهم از اصول الهی است. امام(ره) این نوع حکومت را الگویی می‌دانند که نه با نظام‌های استبدادی، نه مطلقه و نه مشروطه به معنای متعارف آن‌ها قابل تطبیق نیست. بلکه ضمن دربرداشتن محاسن، از نواقص آن‌ها بری است؛ زیرا بر اساس آن، حکومت‌کنندگان در اجرا و اداره جامعه، مقید به یک مجموعه شروط هستند که در قرآن و سنت، معین‌شده است(حاجی یوسفی و سلطانی نژاد، ۱۳۸٦: ۲٦۱).

۱- ۱- ۳- مردم و حکومت

ازنظر اسلام سیاسی شیعی، مردم نقش اساسی در تحقق حکومت دارند. به‌عنوان‌مثال امام خمینی(ره) حکومت اسلامی را بدون رأی مردم، تحقق‌نیافتنی دانسته‌اند و معتقدند تنها حکم فقیهی نافذ است که از سوی مردم انتخاب شود. از دیدگاه امام، بدون همراهی مردم، امکان تحقق و استمرار حکومت اسلامی وجود ندارد. حضور مردم مقدمهٔ تحقق حکومت و استمرار آن است(فوزی، ۱۳۸۸: ۹۳- ۱۰۰).

۱- ۱- ٤- تعامل حکومت دینی و مدرنیسم

جنبش‌های اسلامی شیعی در مواجهه با غرب و مدرنیته، همواره به‌صورت گزینشی عمل کرده و قائل به انفکاک میان وجه مثبت تمدن غرب در حوزه اندیشه و تجربه از یک‌سو و

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

وجوه سلطه–جویانه و استعمارگرانه بی‌رحمانه آن از سوی دیگر بوده‌اند. به‌عنوان نمونه بیان‌شده است که «ما تمدن غرب را قبول داریم، لکن مفاسدش را نمی‌پذیریم»(امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۵: ۱۲۹).

۱– ۱– ۵– مسئله وحدت مسلمانان

جنبش‌های شیعی همواره اصل اتحاد را مدنظر داشته و وحدت جهان اسلام و دفاع از همه مسلمانان را رمز قدرت جهان اسلام دانسته‌اند(حشمت زاده، ۱۳۸۷: ۸٤). براین اساس، امام خمینی(ره) همواره بر تقویت روابط برادرانه با جهان اسلام تأکید داشته و معتقد بودند: «ما برای دفاع از اسلام و استقلال ممالک اسلامی درهرحال مهیا هستیم. برنامه ما که برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است؛ اتحاد ممالک اسلامی است؛ برادری با جمیع فِرق مسلمین است در تمام نقاط عالم؛ هم‌پیمانی با تمام دُول اسلامی است در سراسر جهان؛ مقابل صهیونیست، مقابل اسرائیل، مقابل دُول استعمارطلب»(امام خمینی، ۱۳۸۵، ج۱: ۳۳٦). «ما دست برادری به تمام ملت–های اسلامی می‌دهیم و از تمام آنان برای رسیدن به هدف‌های اسلامی استمداد می‌کنیم»(امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۱۷۰).

۱– ۲– جهانی‌شدن و قرائت‌های مختلف از آن

تعریف جامع جهانی‌شدن به دلیل اختلاف‌نظر بر سر ماهیت آن، دشوار است که ناشی از تأکید بر واحد تحلیل در بررسی فرآیند جهانی‌شدن (اقتصاد– فرهنگ یا فنّاوری) است. فریدمن، از طرفداران رهیافت اقتصادی، جهانی‌شدن را ادغام بازارها، دولت‌های ملی و فناوری‌ها می‌داند که افراد و شرکت‌ها و دولت‌های ملی را قادر ساخته تا دورتر، سریع‌تر و ارزان‌تر از گذشته به اطراف جهان دست پیدا کنند(Friedman, 2012: 1 – 8). رابرتسون به‌عنوان طرفدار رهیافت فرهنگی، جهانی‌شدن را، فشرده شدن جهان و تشدید آگاهی نسبت به جهان به‌عنوان یک کل می‌داند(Robertson, 2000: 8). گیدنز نیز در همین چارچوب، پدیده جهانی‌شدن را موردبررسی قرار می‌دهد. این نگرش، در پی آن است که نشان دهد چگونه فرآیند جهانی‌شدن به فشردن، گستردن و تعمیق زمان– مکان برای مردم جهان دست می‌زند. اساساً گیدنز، جهانی‌شدن را پدیده–ای مدرن می‌داند و معتقد است خود مدرنیته نیز ذاتاً جهانی‌گرا است(Giddens, 1991: 63).

باوجوداین نگرش‌های متفاوت جهانی‌شدن، شبکه‌ای به‌سرعت گسترش یابنده و همیشه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

متراکم شونده از پیوندها و وابستگی‌های متقابل است که وجه مشخصه زندگی اجتماعی مدرن به شمار می‌رود. به عبارتی، فرآیندی است که طی آن وابستگی متقابل بین دولت‌ها و جوامع مختلف جهان در حال گسترش است(تاملینسون، ۱۳۹۳: ١٤). جهانی‌شدن، دنیای ما را به‌وسیله تلفیق فن‌آوری‌های نوین، سا زواری اجتماعی، گشایش سیاسی و تولید شیوه‌های نوین تجارت، تغییرات بنیادی داده؛ بطوریکه به درهم‌تنیدگی اقتصادی، اجتماعی و وابستگی متقابل سیاسی در میان ملت–ها شده است. بنابراین جهانی‌شدن فرآیند بی‌پایانی است که در دهه‌های اخیر عمیق‌تر و گسترده‌تر شده است و احتمالاً همچنان تداوم خواهد داشت و البته این فرآیندها و اَشکال جهانی‌شدن ممکن است تغییرات اساسی داشته باشد(Jara, 2018, 2).

با توجه به تعاریف کلی فوق می‌توان گفت اندیشمندان مختلف عمدتاً در قالب مکاتب فکری که به آن تعلق دارند به بررسی جهانی‌شدن پرداخته‌اند و درواقع از زاویه دید خاص خود، جنبه‌های مختلف آن را مدنظر قرار داده‌اند. برخی جنبه‌های اقتصادی را در نظر گرفتند و یا برخی بعد سیاسی و عده‌ای دیگر بعد فرهنگی و یا ارتباطی آن را در اولویت قرار داده‌اند. همین امر موجب تعدد تعاریف جهانی‌شدن و فقدان اجماع نظر بین دانشمندان و عدم وجود یک تعریف واحد از این پدیده شده است که درنتیجه به قرائت‌های متفاوتی از جهانی‌شدن منجر شده است.

۱– ۲– ۱– جهانی‌شدن به‌عنوان یک فرآیند طبیعی یا پروسه تاریخی

نخستین قرائت، جهانی‌شدن را پدیده‌ای می‌داند که به دلیل پیشرفت و انقلاب در فنّاوری ارتباطات به وجود آمده و موجب پیدایش یک نوع مشابهت و همگرایی در میان ملت‌ها و کشورهای مختلف شده است. طرفداران این قرائت، توسعه ارتباطات و دسترسی آسان به اطلاعات را رکن اصلی جهانی‌شدن می‌دانند. برای مثال آن‌ها از جهانی‌شدن به «فشردگی زمان و مکان و کاهش مرزها و فاصله‌ها، یا به عبارتی پایان جغرافیا»(رجایی، ۱۳۸۲: ۵۹)، «افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابل و فراتر از دولت‌ها و جوامع»، «به هم پیوستن مردم جهان در جامعه واحد و فراگیر جهانی»(صداقت، ۱۳۷۹: ۲۱)، «ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای و امکان دسترسی بیشتر به اطلاعات»(کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۸)، «شکافته شدن مرزهای ملی و کاسته شدن از حاکمیت دولت‌ها»، «از بین رفتن هویت ملی یا ملیتی و پیدایش هویت جهانی» و «جدا شدن هویت، از مکان و اهمیت یافتن فضا» یاد می‌کنند. این قرائت از جهانی‌شدن، تحقق آن

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

را اجتناب‌ناپذیر می‌داند. آنتونی گیدنز، معمولاً این ویژگی جهانی‌شدن، یعنی پروسه بودن آن را مورد تأکید قرار داده و بر همین اساس، از جهانی‌شدن به‌عنوان نیرویی غیرقابل مقاومت یاد می‌کند. مک گرو و دیوید هلد نیز در کتابی به نام «تغییر و تحول جهانی» آورده‌اند که جهانی‌شدن فرآیندی گریزناپذیر است که فرآیندهای دیگر را در درون خود جای‌داده و تحولی بنیادین در فضای سازمانی و روابط اجتماعی و کنش‌های متقابل قدرت به وجود می‌آورد. این تحولات بنیادین، پروژه نیستند بلکه مقتضیات خاص تاریخی، آن‌ها را پدیدار ساخته است.

۲- ۲- ۲- جهانی‌شدن به‌عنوان یک طرح یا نقشه برنامه‌ریزی‌شده

در مقابل دیدگاه نخست که جهانی‌شدن را فرآیندی طبیعی و غیرقابل مقاومت می‌دانست که به دلیل انقلاب در ارتباطات و اطلاعات، پدید آمده است، دیدگاه دیگری وجود دارد که جهانی‌شدن را یک طرح یا نقشه برنامه‌ریزی‌شده برای سلطه برجهان می‌داند و برای اشاره به معنای واقعی آن، واژه جهانی‌سازی را بکار می‌برد. طرفداران این تعریف را طیف گسترده‌ای از موافقان و مخالفان جهانی‌سازی تشکیل می‌دهند. ازجمله ساموئل هانتینگتون و فوکویاما معتقد به این تعریف هستند. آن‌ها برخلاف آنتونی گیدنز که جهانی‌شدن را به‌نوعی با مدرنیته یکسان دانسته و آن را فرآیندی طبیعی معرفی می‌کند، با صراحت جهانی‌شدن را به سلطه تمدن غرب برجهان یا آمریکایی شدن جهان، معنا می‌کنند. همچنین اندیشمندانی چون والرشتاین، گوندرفرانک، سووی، پل باران، حسن حنفی و سمیر امین معتقد به چنین نگرشی هستند و جهانی‌شدن را حلقه‌ای اجتناب ناپذیر از تاریخ سرمایه‌داری می‌دانند. به این بیان که این نظام سلطه، برای گریز از فروپاشی ناگزیر است بحران ناشی از انباشت سرمایه و بحران مشروعیت را در جهان پخش کند تا لایه‌های نامکشوف جهان را به انحصار خویش درآورد(داودی، ۱۳۸۱: ۲۱۵).

به هر ترتیب با توجه به آنچه در مباحث فوق بیان گردید، نویسندگان مقاله حاضر معتقدند جهانی‌شدن، یک پدیده پیچیده و چندبعدی است که در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نمود یافته است و این مفهوم، اشاره به فرآیندی دارد که درنتیجه فشرده شدن مکان و زمان در آن، انسان‌ها در یک جامعه جهانی واحد به شکلی نسبتاً آگاهانه ادغام می‌گردند و درنتیجه بسیاری از محدودیت‌های سیاسی و جغرافیایی و نیز ترتیبات اجتماعی، فرهنگی و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

اقتصادیِ موجود، از بین رفته و یا با تغییرات گسترده‌ای مواجه می‌شوند.

۲- اسلام سیاسی شیعی و فرصت‌های جهانی‌شدن

علی‌رغم اختلاف در تعریف جهانی‌شدن (چه به‌عنوان پروسه و چه به‌عنوان پروژه)[1]، نقطه اشتراک این است که دارای ابعاد تکنولوژیک و ایدئولوژیک است که در اَشکال مختلف ارتباطی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نمود یافته است و اشاره به فرآیندی دارد که درنتیجهٔ فشرده شدن مکان و زمان، انسان‌ها در یک جامعه جهانی واحد به شکلی نسبتاً آگاهانه ادغام می‌گردند و درنتیجه بسیاری از محدودیت‌های سیاسی و جغرافیایی و ترتیبات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادیِ موجود از بین رفته، یا با تغییر گسترده مواجه می‌شوند که فرصت‌هایی برای جوامع مختلف در پی دارد.

۲- ۱- فرصت‌های بُعد تکنولوژیکی- ارتباطی جهانی‌شدن

بُعد تکنولوژیک جهانی‌شدن عبارت است از گسترش تکنولوژی ارتباط‌جمعی و اطلاعات که در اثر تولید تکنولوژی‌های ارتباطی، اطلاعات و نیازمندی‌های تجاری کشورها از طریق اینترنت، ماهواره و نرم‌افزارهای رایانه‌ای قابل تأمین است. دیگر مرزها اهمیت ندارند و همگان به‌عنوان مصرف‌کننده شناخته می‌شوند. بنابراین مردم در هر نقطه، قادرند اطلاعات را مستقیماً از اکناف عالم به دست آورند و این امر را فهم نمایند که چه چیزی در زمره ترجیحات سایر کشورها قرار دارد(رجایی، ۱۳۸۲: ۱۱٦). بنابراین گسترش تکنولوژی ارتباط جمعی در دو سطح ملت‌ها و دولت-ها برای اسلام سیاسی به‌طور عام، فرصت‌آفرین است؛ در سطح ملت‌ها، یکی از نتایج، برداشته‌شده فاصله‌ها است. بدین معنی که افزایش فزاینده اطلاعات و رسانه‌های گروهی، مفهوم مرز در واحدهای سنتی همچون دولت- ملی را بی‌اثر می‌سازد و مرزهای جغرافیایی، جای خود را به مرزهایی با توانایی‌های اطلاعاتی می‌دهند(قوام، ۱۳۸٤: ۳٦۱). از این منظر، جهانی‌شدن با حذف مرزهای جغرافیایی در مناسبات و روابط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی می‌تواند منجر به نزدیک‌ترشدن مسلمانان در ورای ملیت و قومیت آن‌ها شود. همچنین فن‌آوری‌های نوین، امکان تحول در باورها، ارزش‌ها و تصویر ذهنی مخاطبین را افزایش داده و می‌تواند ذهنیت مسلمانان را فراتر از جامعه ملی به سمت ایجاد تصویری

1. Globalization as a Process or Globalization as Progect

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

مثبت از زیست و آینده مشترک سوق دهد و محیط ذهنی خوبی ایجاد کند تا زمینه‌ساز انسجام جهان اسلام شود. به‌گونه‌ای که احترام به عقاید و ارزش‌های طرف مقابل نه‌تنها به افزایش اعتمادسازی انجامد، بلکه از تعصبات بکاهد و زمینه همکاری را افزایش دهد»(ستوده، ۱۳۸۷: ۱۱۰). همچنین می‌تواند نوعی احساس نیاز به اتحاد در میان مسلمانان پدید آورد؛ در شرایطی که گفتمان لیبرال غرب، گفتمان برتر جهانی‌شدن را رقم می‌زند و به تعبیر گیدنز «جهانی‌شدن از بالا» را به جریان درمی‌آورد(عاملی، ۱۳۸۲: ۱۵۶– ۱۵۵)، کشورهای اسلامی نیز خود را نیازمند تشکل در مجموعه‌ای بزرگ‌تر می‌بینند تا از فروپاشی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود جلوگیری نمایند. فن‌آوری‌های ارتباطی می‌تواند این نیاز را در حاکمان و ملل مسلمان ایجاد نماید و به آنان بفهماند که ضروری است برای حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی خود، منطقه‌ای از کشورهای اسلامی را شکل بخشند؛ حاصل این امر منطقه‌گرایی اسلامی می‌شود. بر این مبنا، منطقه‌گرایی همانند دژی در برابر جهانی‌شدن لیبرال، محسوب می‌شود که همه کشورها ازجمله کشورهای اسلامی در مواجهه با جهانی‌شدن، می‌توانند به سمت آن درحرکت باشند»(واترز، ۱۳۷۹: ۱۲).

۲– ۲– فرصت‌های بعد فرهنگی جهانی‌شدن

از یک‌سو جهانی‌شدن، شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی به‌واسطه خودآگاهی و دگر آگاهی فرهنگی و تمدنی را موجب می‌شود. در این خصوص، گیدنز اعتقاد دارد که معنای جهانی‌شدن این نیست که جامعه جهانی در حال یکپارچه شدن به معنای فرهنگ آنگلو– آمریکایی باشد، بلکه این پدیده در برخی ابعاد با تفرق روبرو است تا اتحاد(Miri and Yazarloo, 2017: 967)؛ به عبارتی جهانی‌شدن، فرآیند همگن‌ساز نیست، در آن شاهد بازتولید هویت‌های فرهنگی دیگری نظیر هویت اسلامی نیز خواهیم بود. از سویی نیز جهانی‌شدن فرآیندهایی را در بردارد که‌موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می‌آورد و جملگی خاصیت‌دار فرهنگی را به چالش می‌طلبد؛ این همان برداشت رایج از جهانی‌شدن فرهنگ غربی یا «امپریالیسم فرهنگی» است؛ از این دیدگاه، جهانی‌شدن عبارت است از اراده معطوف به همگون سازی فرهنگی در جهان یا غربی کردن فرهنگ جهانی(نظری و قنبری، ۱۳۹۲: ۱۲۶– ۱۲۷). در این زاویه دوم، سه جنبه عام برای جهانی‌شدن قابل‌شناسایی است:

گسترش مدرنیسم: اصولاً برجسته‌ترین وجه جهانی‌شدن فرهنگی را می‌توان جهان‌گیرشدن

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

ویژگی-های محوری مدرنیته دانست که ویژگی‌هایی مانند صنعت‌گرایی، نظام سرمایه‌داری، لیبرالیسم و... از آن جمله‌اند(گل‌محمدی، ۱۳۹۶: ۹۹).

گسترش مصرف‌گرایی: در فرهنگ مصرف‌گرا و در جامعه جهانی مصرف‌زده، افراد تشویق می‌شوند تا بیشتر ازآنچه نیاز دارند بخواهند و مصرف به منبع اصلی هویت اجتماعی تبدیل می‌شود(Friedman, 1994: 43).

جهانی‌شدن فرهنگ آمریکایی: فرآیند جهانی‌شدن با گسترش فرهنگی واحد در جهان، نوعی همگونی جهانی پدید می‌آورد و فرهنگی که جهان را تسخیر می‌کند، نسخهٔ آمریکایی است. در این رابطه، بارکر جهانی‌شدن فرهنگ آمریکایی را با توجه به گسترش سلطه سرمایه‌داری، امری طبیعی و تحقق آن را به سود جهان می‌داند: «سرمایه‌داری آمریکایی می‌باید مردم زیر سلطه خود را قانع کند که شیوه زندگی آمریکایی، همان چیزی است که آن‌ها می‌خواهند و البته سلطه آمریکا به نفع همه مردم است»(Barker, 1989: 279)؛ از این دیدگاه می‌توان چنین برداشت کرد که به‌طور طبیعی، فرهنگ‌های پیشین و خودمختاری محلی نابود خواهند شد. بنابراین جهانی‌شدن به این مفهوم، امپریالیسم به سبک مک‌دونالد و هالیوود، توصیف می‌شود(شولت، ۱۳۸۶: ۹). این امر به معنای آن است که روابط جهانی بر اساس سلطه تنظیم می‌شود و نظام سرمایه‌داری به‌صورت غالب عمل می‌کنند و کشورهای واپس‌مانده که قدرتی کمتر دارند، به‌صورت ملت‌های زیر سلطه درمی‌آیند(پهلوان، ۱۳۹۰: ۴۰۹). باوجوداین جنبه‌های منفی، در حوزه فرصت‌های جهانی‌شدن فرهنگ نیز مباحث زیادی مطرح است ازجمله:

۲- ۲- ۱- بازگشت و گسترش دین در اثر قلمرو زدایی

هینس با اشاره به سابقه جوامع مذهبی مسیحی و اسلامی پیش از ظهور دولت‌های متمرکز سکولار می‌گوید: «اهمیت سیاسی دین در سیاست بین‌الملل که از آغاز قرن ۱۷ رنگ‌باخته بود، بار دیگر در اواخر قرن ۲۰ به مدد فرآیند جهانی‌شدن به دوران اوج رسیده است(هینس، ۱۳۸۱: ۳۹۰). زیرا جهانی‌شدن شرایطی را ایجاد کرده است که با برخورداری از تکنولوژی اطلاعات، ارتباطات و توانمندی‌های ابزاری، ملل دنیا می‌توانند پیام تمدنی و صدای فرهنگی خود را منعکس سازند، بنابراین صداهای ضعیف، قدرت انعکاس می‌یابند و ندای خود را به گوش جهان می-رسانند(رجایی، ۱۳۸۲: ۱۱۹). در این شرایط دین اسلام نیز به‌منزله مکتبی

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

که توجه کاملی به مقتضیات زمان دارد و ازآنجاکه «فطرت الهی انسان که پذیرای وعده‌ها و بشارت‌های الهی است، محدود به فضا و زمان خاص نیست و مخاطب ادیان و به‌ویژه اسلام، انسان به ماهو انسان است(افروغ، ۱۳۸۷: ۴۳)؛ می‌تواند جایگزین مناسبی برای حل بحران‌های کنونی جهان تلقی شود و به ارائه نظام معنایی کامل خود بپردازد. هینس در این خصوص معتقد است که اسلام به‌عنوان یک نظام مذهبی، اجتماعی و فرهنگی سعی نموده است تا خود را از طریق ایجاد یک جامعه مذهبی فراملی تبدیل به «دین جهانی» نماید(هینس، ۱۳۸۱: ۳۸۷– ۳۸۸).

۲– ۲– ۲– فراهم شدن فرصت مقاومت

عرصهٔ جهانی‌شدن شامل دو گفتمان جهانی‌شدن از بالا و جهانی‌شدن از پایین است. روند جهانی–شدن از بالا درصدد است ارزش‌های مدرنیته همچون سکولاریسم و مصرف‌گرایی فرهنگی و اقتصادی را گسترش داده و نوعی همسان‌سازی فرهنگی را به وجود آورد. در مقابل، جهانی‌شدن از پائین یا آنچه گیدنز از آن با عنوان «جهانی‌شدن معکوس» یاد می‌کند، در مقابله با ایدئولوژی نظام سرمایه‌داری غرب و روند حاکم برجهان معاصر و همچنین سلطه اقتصادی شرکت‌های چندملیتی شکل‌گرفته است. این نوع نهضت‌های اجتماعی در تقابل با سلطه جهانی و جستجو برای عدالت فراگیرتر جهانی ظهور پیداکرده است. از این منظر، جهانی‌شدن فرصتی را برای طرح ایده‌های مخالف جهانی‌شدن از بالا فراهم می‌آورد و شنیدن صداها و گفتمان‌هایی را که امکان انتشار و ابلاغ آن در سطح جوامع بشری وجود ندارد، در پرتو تکنولوژی اطلاعات مجال می–یابد(عاملی، ۱۳۸۲: ۱۵۹– ۱۵۵). از این منظر، فرهنگ اسلامی و شیعی، مجال بروز پیدا می‌کند و از طریق جهانی‌شدن، اندیشمندان امکان می‌یابند تا ایده‌ها و آرای فلسفی، سیاسی، اقتصادی و جامعه‌شناختی اسلام شیعی را بشنوند و با توجه به ظرفیت اسلام شیعی برای پاسخ‌گویی به مسائل زندگی دنیای جدید و با عنایت به ارزش‌های جهان‌شمول دین اسلام، مقتضیات و شرایط جدید می‌تواند فرصت‌های مناسبی را برای معرفی اندیشهٔ اسلام شیعی به وجود آورد.

۲– ۳– فرصت‌های بُعد سیاسی جهانی‌شدن

شتاب جهانی‌شدن سیاست از ابعاد دیگر جهانی‌شدن کندتر است و علت آن در حق حاکمیتی نهفته که دولت‌ها برای خود قائل‌اند و این امر موانعی برای جهانی‌شدن سیاست

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

ایجاد کرده است. بااین‌وجود، بسیاری از مسائل که قبلاً به حوزه داخلی و حیطه حاکمیت دولت‌ها تعلق داشتند، امروزه ابعاد جهانی پیداکرده‌اند(اخوان‌زنجانی، ۱۳۸۳: ۹۳). همچنین در پرتو تحول ارتباطات رسانه‌ای و الکترونیکی و دستیابی به قالب‌ها، الگوهای جدید، ظرفیت تبیین و پیش‌بین روند حوادث و تکانه‌های بحران‌ساز آینده جهان نیز تغییر کرده است. به‌طورکلی، وجه سیاسی جهانی‌شدن کاهش نقش دولت- ملت‌ها و افزایش نقش شرکت‌ها و سازمان‌های فراملی است. در سیاست جهانی، دولت‌های ملی به‌تدریج کنترل، مدیریت و اختیارات خود را ازدست‌داده و نظارت آن‌ها بر نیروهای داخلی کم‌رنگ می‌شود. عامل جهانی‌شدن سیاست، خود دولت‌ها هستند که از طریق پیوستن ارادی به شبکه‌ها و سازمان‌های فراملی، مبادرت به تضعیف درونی خودکرده و تسلط کشورهای مرکزی بر خود را افزایش می‌دهند(افروغ، ۱۳۸۷: ۲۵). بنابراین نتایجی حاصل می‌شود که عبارت‌اند از:

۲- ۳- ۱- کم‌رنگ شدن حاکمیت ملی

مسئله مهم آن است که حاکمیت ملی که بنیاد الگوی ملت- دولت را شکل می‌دهد متأثر از فرآیند جهانی‌شدن دست‌خوش تحول شده و برخی از الزامات خود را ازدست‌داده و معنایی تازه از حاکمیت شکل‌گرفته که بامعنای پیشین آن متفاوت است. دیگر نمی‌توان تحولات رخ‌داده در اروپا، آمریکا یا ژاپن را جدا از مشکلات اقتصادی دیگر کشورها دانست؛ دیگر نمی‌توان حمله به برج-های دوقلوی نیویورک را مسئله داخلی آمریکا عنوان کرد یا بحران عراق، فلسطین و افغانستان را مختص به مناطق خاص دانست و یا نمی‌توان سیاست‌های زیست‌محیطی آمریکا را ازآنچه در دیگر نقاط این کره خاکی رخ می‌دهد، جدا پنداشت. به این معنا حاکمیت ملی دچار فرسایش شده و منافع مشترکی شکل‌گرفته که در ورای تقسیمات ملی معنا می‌شوند. همین امر است که مسئولیت جهانی را به دنبال دارد و حاکمیت‌های ملی را به تبعیت از سیاست‌ها و برنامه‌های خاص و جهانی وامی‌دارد.

۲- ۳- ۲- تغییر نگرش نسبت به قدرت

آلوین تافلر معتقد است بزرگترین تحول قرن ۲۱، ظهور قدرت‌های ماوراء حکومت‌ها و دولت‌های ملی و محلی است(تافلر، ۱۳۹٤: ٦٥٧). در جهانی‌شدن، نگرش به قدرت برخلاف نگرش سنتی که نگرشی از بالا به پائین بود، به‌گونه‌ای دیگر شده و قدرت سخت به‌عنوان عامل کنترل رفتار، کارکرد و مشروعیت خود را تا حدود زیادی ازدست‌داده است. بازیگران

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

متعددی که درصحنه جهانی حضور دارند، فاقد ابزار خشونت یا توان اِعمال کنترل هستند، اما به‌مراتب اثرگذارتر شده‌اند. همچنین جنبش‌های اجتماعی فراملی را می‌توان عاملی قدرتمند در جامعه جهانی تلقی کرد. آن‌ها بر دولت‌ها، نهادهای سیاسی فوق ملی و سیاست‌های فراملی نظیر شرکت‌های چندملیتی، می‌توانند فشار وارد کنند(نش، ۱۳۹٤: ۷٤– ۷۵).

در حوزه فرصت‌های سیاسی جهانی‌شدن می‌توان گفت اندیشه حکومت جهانی در فرهنگ سیاسی اسلامی همواره مطرح بوده و بر اساس منابع دینی تحقق آن حتمی خواهد بود. زیرا ازآنجاکه اسلام به مرزها توجهی ندارد و امت محور است، در ذات خود حامل جهان‌گرایی است(ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۱۷). بنابراین مسلمانان معتقدند اسلام، دین جهانی است و رسالت جهانی دارد. در این رابطه می‌توان به آیاتی از قرآن کریم[1] اشاره کرد که در آن‌ها بر جهانی‌شدن دین اسلام و تشکیل جامعه جهانی بشارت داده شده است.

ازنظر اسلام سیاسی شیعی، آموزه‌های اسلامی ازآنجاکه خواسته‌های معقول و فطری بشر را در خصوص عدالت، مدیریت جهانی، برآورده کردن نیازهای روحی و مادی انسان‌ها، دادن هویت مستقل به افراد، حفظ کرامت انسانی و قیام ضد نظام‌های دیکتاتوری را در خود نهفته دارد، از زمینه‌ای مناسب برای جهانگیر شدن بهره‌مند است و می‌تواند با در نظر گرفتن اهداف ارزشی خود، از منابع قدرت نرم خود بهره‌گیری کند و مؤلفه‌های تمدن و فرهنگ و ارزش‌های دینی خود را جهانی سازد؛ در این مورد، چهار محور اصلی گفتمان اسلام سیاسی شیعی عبارت‌اند از:

الف– معنویت‌گرایی

ب– ترویج فرهنگ عدالت‌خواهی و عدالت‌طلبی

ج– پایه‌گذاری مردم‌سالاری دینی

د– تقویت خودباوری و بیداری ملل مستضعف(حاتمی، ۱۳۹۲: ۱۲۲– ۱۲۱).

بر مبنای این گفتمان‌سازی بوده است که جایگاه اسلام سیاسی شیعی، از حاشیه به مرکز تحولات جهان اسلام منتقل‌شده است. شیعیان که در طول چندین قرن نه‌تنها همواره در اقلیت بوده و آماج حملات قرار می‌گرفتند و از بروز اندیشه‌های خود هراس داشتند با پیروزی اسلام سیاسی شیعی، فرهنگ شیعی را به‌عنوان فرهنگ مقاومت و جهاد در مقابل فرهنگ زور و

۱. آیات ۵ و ٦ سوره قصص، و سوره مؤمنون آیه ۵۲.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

قدرت‌مداری مطرح کرده‌اند که امروزه در فضای جهانی‌شدن به یک گفتمان تبدیل‌شده و به‌عنوان یک پدیده الهام‌بخش فرهنگی- سیاسی جلوه‌گر است(سیمبر، ۱۳۹۳: ۱).

در پایان لازم به ذکر است که در کنار فرصت‌هایی که جهانی‌شدن می‌تواند برای جوامع و فرهنگ‌های مختلف در برداشته باشد، یقیناً چالش‌هایی نیز به همراه خواهد داشت. نویسندگان مقاله حاضر، در مقاله‌ای دیگر به بررسی این چالش‌ها برای اسلام سیاسی شیعی پرداخته‌اند. در اینجا به‌طور اجمالی می‌توان بیان کرد:

که چالش‌های جهانی‌شدن قبل از هر چیزی بیانگر عالم‌گیر شدن ارزش‌های فرهنگی، سیاسی و الگوی اقتصادی غربی است و این امر دیگر جوامع را با چالش‌های هویتی و سیاسی مواجه می‌سازد. در این میان رویکرد اسلام سیاسی شیعی، با توجه به تعارض باورهای اسلامی با آموزه‌های لیبرالیسم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با وضعیتی پر از چالش روبروست، چراکه بر شاخص‌ها و معیارهای فرهنگی خاص خود تأکید دارد. بدین معنی که در حوزه اقتصاد برخلاف جهانی‌شدن، گفتمان اسلام سیاسی شیعی در پی ایجاد روابط اقتصادی کارآمد همراه با تأمین عدالت اجتماعی است و بدین منظور دایره آزادی مالکیت مطلق را محدود ساخته و حدودی را برای آن ترسیم نموده تا از گسترش فقر جلوگیری نماید و فقرا را تأمین کند. این در حالی است که نئولیبرالیسم اقتصادی جهانی‌شدن، مبتنی بر این ایده است که نیروهای بازار منجر به رفاه، آزادی، دموکراسی و صلح جهانی می‌گردد. اما اسلام سیاسی شیعی مدعی آن است که قیود و حدود آزادی به نفع آزادی و برابری اجتماعی است، زیرا از طریق آن تلاش می‌شود تا فرصت‌های برابر اقتصادی برای شهروندان ایجاد شود. در رابطه با بُعد سیاسی نیز می‌توان گفت سیاست در کانون منازعه میان جهانی‌شدن و اسلام سیاسی شیعی قرار دارد. یعنی نگرش سکولاریستی به سیاست، در مقابل رویکرد دینی نسبت به آن قرار دارد. جهانی‌شدن تلاش می‌کند تا سیاست سکولار را امر موجه و مقبول در تصور جمعی بشر تصویر کند و آنچه را به‌عنوان سیاست دینی در گفتمان اسلام سیاسی شیعی بیان می‌شود به حاشیه براند. جهانی‌شدن، بین امر سیاسی و مذهبی جدایی می‌اندازد و بر ناکارآمدی و غیر مقبول بودن سیاست دینی استدلال می‌کند و سیاست را امری کاملاً غیرمذهبی و عرفی تلقی می‌کند این در حالی است که در اسلام سیاسی شیعی اساساً اسلام، دینِ سیاسی است و قطع رابطه آن باسیاست به معنای تجزیهٔ کلیت عقیده اسلامی است.

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

در حوزهٔ چالش‌های فرهنگی نیز می‌توان گفت چالش‌انگیز بخش جهانی‌شدن نسبت به اسلام سیاسی شیعی در حوزه فرهنگ است؛ این امر ناشی از نقش زیربنایی فرهنگ نسبت به دیگر ساختارهای اجتماعی است و از سویی، بخش مهمی از فرهنگ متشکل از نظام ارزشی، هنجارها و باورهای دینی جامعه است و با هویت مطرح در فرآیند جهانی‌شدن و حذف مرزهای اعتقادی جوامع تعارض دارد. بر این اساس، جهانی‌شدنِ فرهنگ، تعارض بنیادی بافرهنگ سیاسی شیعی دارد. همچنین آموزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی لیبرالیسم که در فرآیند جهانی‌شدن، در حکم آموزه‌های عام و جهان‌شمول مطرح می‌شوند، در تعارض جدی با مجموعهٔ ارزش‌های اسلامی است؛ الگوی رفتاری اسلامی در حوزهٔ رفتار فردی، اجتماعی و در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، باید در چارچوب باورهای دینی و بر اساس نظام ارزشی اسلام تنظیم و تدوین شود. این در حالی است که جهانی‌شدن تلاش می‌کند که الگوی رفتاری مبتنی بر نگرش مادی‌گرایانِ را به جوامع دیگر تحمیل کند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

جمع‌بندی

در مقاله حاضر بیان شد که جهانی‌شدن در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ارتباطی، پیامدهای مختلفی را به دنبال دارد که در اثر آن، فرصت‌هایی برای جوامع مختلف به وجود آمده است. در این فضا، اسلام سیاسی شیعی نیز امکان عرضه پیداکرده است. به‌طور خلاصه، نتایج این پژوهش در چهار سطح بیان داشت که در بُعد ارتباطی- تکنولوژیکی، فن‌آوری‌های نوین می‌تواند ذهنیت ملت‌های مسلمان را فراتر از جامعه ملی به سمت ایجاد تصویری مثبت از زیست، سرنوشت و آینده مشترک سوق دهد و یک محیط ذهنی ایجاد کند تا زمینه‌ساز انسجام در جهان اسلام شود. در مورد بُعد اقتصادی جهانی‌شدن گفته شد اگرچه در تمامی مواردی که جهانی‌شدن می‌تواند فراهم آورنده فرصت‌های اقتصادی برای جوامع مختلف باشد اما سیستم اقتصادی اسلام، با مبنای نظری اقتصاد جهانی‌شده که مبتنی بر لیبرالیسم است در تضاد قرار دارند زیرا مسائل اقتصادی ارتباط ریشه‌ای با مفاهیم بنیادین جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها دارد. در رابطه با بُعد فرهنگی، بیان شد که جهانی‌شدن فرصت مناسبی را برای طرح ایده‌های مختلف فراهم می‌آورد و گفتمان‌هایی که امکان انتشار آن‌ها وجود ندارد، در پرتو فنّاوری اطلاعات مجال نشر می‌یابند. از این منظر، فرهنگ اسلامی با درون‌مایه‌ای غنی، مجال بروز پیدا می‌کند و جهانی‌شدن با درهم‌فشردگی زمان و مکان و انتقال ایده‌ها، زمینه عرضه فرهنگ اسلامی به جوامع بشری را فراهم می‌سازد؛ بنابراین از طریق جهانی‌شدن، ایده‌های، سیاسی، اقتصادی و جامعه‌شناختی اسلام مجال ارائه می‌یابند و با توجه به توانمندی اسلام شیعی برای پاسخ‌گویی به مسائل زندگی جدید و با عنایت به ارزش‌های جهان-شمول دین اسلام، شرایط جدید می‌تواند فرصت مناسبی برای معرفی آرای اسلام شیعی به وجود آورد. در رابطه با بُعد سیاسی جهانی‌شدن بیان گردید اسلام سیاسی شیعی مدعی است که می‌تواند از منابع قدرت نرم خود بهره‌گیری کند و مؤلفه‌های فرهنگ، ارزش‌های دینی و رفتار سیاسی خود را جهانی سازد. در این راستا جایگاه اسلام سیاسی شیعی در جهان، می‌تواند از حاشیه به مرکز تحولات جهان اسلام منتقل شود و فرهنگ شیعی به‌عنوان فرهنگ مقاومت و جهاد در مقابل فرهنگ زور و قدرت‌مداری در سطح جهانی مطرح شود و در فضای جهانی‌شدن به یک گفتمان تبدیل گردد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

منابع

- ابراهیمی، شهروز، ۱۳۸۵، حاکمیت فراوستفالیا: جهانی‌شدن و تعامل حاکمیت ملی با حاکمیت بین‌المللی(با تأکید بر ج.ا.ایران)، *دو فصلنامه دانش سیاسی*، شماره ٤.
- اخوان‌زنجانی، داریوش، ۱۳۸۳، جهانی‌شدن و سیاست‌خارجی، چاپ ۳، تهران، انتشارات وزارت خارجه.
- امام خمینی(ره)، ۱۳۸۵، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بهروزلک، غلامرضا، ۱۳۸۷، *جهانی‌شدن و اسلام سیاسی در ایران*، چاپ ۲، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پهلوان، چنگیز، ۱۳۹۰، *فرهنگ‌شناسی*، چاپ ۳، تهران، نشر قطره.
- تافلر، آلوین، ۱۳۹٤، *موج سوم*، ترجمه شهیندخت خوارزمی، چاپ ۲۲، تهران، نشر علم.
- تاملینسون، جان، ۱۳۹۳، *جهانی‌شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، چاپ ۲، تهران، نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- جمالزاده، ناصر و باباخانی، مجتبی، ۱۳۹٦، کاربرد قاعده حفظ نظام در اندیشه فقهی- سیاسی امام خمینی، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، سال ۱۳، شماره ۱، پیاپی ۲۵.
- حاتمی، محمدرضا، ۱۳۹۲، بررسی الگوپذیری خیزش‌های جدید خاورمیانه و شمال افریقا مدل انقلاب اسلامی یا مدل امریکایی، *جستارهای سیاسی معاصر*، دوره ٤، شماره ۱۰.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و سلطانی‌نژاد، احمد، ۱۳۸٦، *سامان سیاسی در عراق جدید*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- حسینی‌زاده، محمدعلی، ۱۳۸٦، *اسلام سیاسی در ایران*، قم، دانشگاه مفید.
- حشمت‌زاده، محمدباقر، ۱۳۷۸، مقدمه و چارچوبی برای بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی، *نامه پژوهش*، شماره ۱۲-۱۳.
- داودی علی اصغر، ۱۳۸۱، جهانی شدن و چالش حاکمیت های ملی، *کتاب نقد*، ش ۲٤ و ۲۵.
- رجایی، فرهنگ، ۱۳۸۲، *پدیده جهانی‌شدن وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی*، مترجم عبدالحسین آذرنگ، تهران، نشر آگاه.
- روآ، اولیویه، ۱۳۸٤، ایران: *تشیع و انقلاب*، تهران، انتشارات باز.
- ستوده، محمد، ۱۳۸۷، جهانی‌شدن و همگرائی کشورهای اسلامی، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ٤۲.
- سیمبر، رضا، ۱۳۹۱، اشاعه فرهنگی انقلاب در دیپلماسی عمومی، *خبرنامه صبح صادق*.
- شولت، یان آرت، ۱۳۸٦، *نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی‌شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، چاپ ۲، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- صداقت، پرویز، ۱۳۷۹، سرشت جهانی شدن و زمینه های آن، *ماهنامهٔ بورس*.
- عاملی، سعیدرضا، ۱۳۸۲، *جهانی‌شدن و فضای مذهبی، مجموعه مقالات جهانی‌شدن دین*، تدوین محمدجواد صاحبی، قم، احیاگران.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

- فوزی، یحیی، ۱۳۸۸، *اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)*، قم، نشر معارف.
- قاضی‌زاده، کاظم و ضیایی‌فر، سعید، ۱۳۷۷، *اندیشه‌های فقهی سیاسی امام خمینی*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- قوام، عبدالعلی، ۱۳۸٤، *جهانی‌شدن و جهان سوم: روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین الملل*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- کاستلز، مانوئل، ۱۳۸۹، *عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، جلد ۱، احمد علیقلیان و افشین خاکباز، چاپ ٦، تهران: طرح نو.
- گل‌محمدی، احمد، ۱۳۹٦، *جهانی‌شدن فرهنگ و هویت*، چاپ هشتم، تهران، نشر نی.
- نَش، کِیت، ۱۳۹٤، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ ۱۳، تهران، کویر.
- نظری، علی‌اشرف و قنبری، لقمان، ۱۳۹۲، خاص‌گرایی فرهنگی و بازتولید هویت‌های دینی: با تأکید بر جنبش بیداری اسلامی، *مجله مطالعات جهان اسلام*، دوره ۱، شماره ۳.
- واترز، مالکوم، ۱۳۷۹، *جهانی‌شدن*، ترجمه اسماعیل مردانی و سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
- هینس، جف، ۱۳۸۱، *دین، جهانی‌شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم*، ترجمه داود کیانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Achmad, Dinarjad and Hamzani,Umiaty, 2016, Globalization in the Perspective of Islam and Economic Experts , *Procedia: Social and Behavioral Sciences 219*, Published by Elsevier Ltd.
- Barker, M, 1989, *Ideology, Power & the Critic*, Manchester, University press.
- Friedman, Jonathan , 1994, *Culture Identity and Global Process*, London, Thousand Oaks and New Delhi, Sage.
- Friedman, Thomas .L, 2012, *The Lexus and The olive tree Understanding Globalization*, Paperback – August 21, 2012, New York, Farrar.
- Giddens, Anthony, 1991, *The Consequences of modernity*, Cambridge, polity press.
- Jara, Alejandro, 2018, The Future of Globalization Under New Political Realities, *Global Journal of Emerging Market Economies*, 9(1-3), SAGE Publications.
- Miri, Gholamreza and Yazarloo, Hanieh, 2017, The impact of globalization on evolutions in Islamic cities in recent century, *International Journal of Scientific Study*, Vol 5, Issue 4.
- Robertson, Ronald, 2000, *Globalization: social Theory and Global Culture*, London, sage publication.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۴۰۶

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

ضابطی، معین؛ علی‌حسینی، علی؛ امام جمعه زاده، سیدجواد (۱۳۹۶)، «فرصت‌های اسلام سیاسی شیعی در فضای جهانی‌شدن» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۷، ش٤، زمستان ۹٦، صص ١٦٥– ١٤٧.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]